

تشیع در تسنن

آیت الله سید محمد رضا مدرّسی یزدی

ویراستار: حمیدرضا ترابی

مدرسی، محمدرضا؛ ۱۳۴۲-

تشیع در تسنن / محمدرضا مدرسی یزدی؛ ویراستار حمیدرضا
ترابی. (ویراستار ۲). - قم: صحیفه معرفت، ۱۳۸۴.
۳۸۴ص.

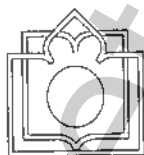
ISBN:964-93950-3-2 ریال ۲۰۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس فیبا.
کتابنامه ص (۳۶۹) - ۳۷۵؛ همچنین به صورت زیر نویس.
نمایه.

۱. شیعه امامیه - عقاید. ۲. شیعه امامیه -- دفاعیه ها و ردیه ها.
۳. اهل سنت - عقاید. ۴. اهل سنت -- دفاعیه ها و ردیه ها.
الف. ترابی، حمید رضا ویراستار. ب. عنوان.
۵ ت ۳۵۴۴ / ۵ / ۲۱۱ BP ۴۱۷ / ۲۹۷
۱۳۸۴

۴۹۶۲ - ۸۴م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات صحیفه معرفت

تلفن: ۷۷۴۱۴۵۷، ۹۱۲۲۵۲۵۱۷۷

تشیع در تسنن

حضرت آیت الله سید محمدرضا مدرسی یزدی

ویراستار: حجت الاسلام حمید رضا ترابی

♦ حروفچینی و صفحه آرایی: صحیفه معرفت ♦ چاپ: نینوا - قم

♦ نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۸۴ ♦ قطع: وزیری ♦ تیراژ: ۲۰۰۰

♦ قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

♦ شابک: ۲-۳-۹۳۹۵۰-۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مراکز پخش

قم: انتشارات صحیفه معرفت خیابان معلم - کوچه ۱۰ - بن بست اول سمت راست پلاک ۱۷

کرج: موسسه نور معرفت خیابان امامزاده حسن - پشت مصلاي نماز جمعه تلفن: ۲۲۴۱۲۰۶

رشت: مجموعه فرهنگی دینی عترت خیابان امام خمینی - گذر حاج آقا بزرگ تلفن ۲۲۲۲۲۲۷

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ ۖ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾

الزمر، آیه ۱۸-۱۷

پژوهش‌هایی در:

- امامت امامان دوازده‌گانه
- اجتهاد و تقلید
- وضو
- اذان
- جمع بین صلاتین
- سجده

فهرست مطالب

■ مقدمه ویراستار / ۱۵

۱۷	 آشنایی ام با استاد
۱۹	 گزارشی از نوشته‌های اولیه
۲۱	 کارهایی که انجام گرفت

■ شناخت امامان در پرتو روایات / ۲۳

۲۵	 مقدمه
۳۰	 امامت و خلافت چیست؟
۳۳	 استمرار امامت و لزوم شناخت امام
۴۳	 امامان دوازده نفر و همه از قریش هستند
۵۵	 اعتراف و انحراف
۵۸	 اهل بیت علیهم‌السلام اگر ادّعی امامت کنند صادقند
۶۷	 اهل بیت علیهم‌السلام چه کسانی هستند؟
۷۴	 ادّعی امامت اهل بیت علیهم‌السلام
۷۷	 استمرار وجود اشخاصی از اهل بیت علیهم‌السلام
۸۴	 امامان از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند
۹۲	 روایات شیعه برای همه حجّت است
۹۶	 شناخت نام و اشخاص امامان علیهم‌السلام
۹۶	 امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام
۹۷	 امام علی بن الحسین زین العابدین علیه‌السلام
۹۹	 امام محمد الباقر علیه‌السلام

۹۹	 امام جعفر الصادق عليه السلام
۱۰۰	 امام موسى الكاظم عليه السلام
۱۰۱	 امام على بن موسى الرضا عليه السلام
۱۰۲	 امام محمد التقي الجواد عليه السلام
۱۰۲	 امام على التقي الهادي عليه السلام
۱۰۳	 امام حسن العسكري عليه السلام
۱۰۳	 امام قائم عليه السلام
۱۰۴	 غيب امام زمان عليه السلام

■ اجتهاد و تقلید / ۱۰۷

۱۰۹	 معنای لغوی اجتهاد
۱۱۲	 معانی اصطلاحی اجتهاد
۱۱۲	 اجتهاد به معنای عام
۱۱۷	 اجتهاد به معنای خاص
۱۲۱	 منابع اجتهاد
۱۲۲	 بررسی حجّیت کتاب
۱۲۳	 بررسی حجّیت سنّت
۱۲۴	 سنّت اهل بیت عليهم السلام
۱۲۵	 دلیل اوّل حجّیت سنّت اهل بیت عليهم السلام
۱۳۱	 دلیل دوم حجّیت سنّت اهل بیت عليهم السلام
۱۳۵	 حجّیت سنّت صحابه
۱۴۲	 حجّیت اجماع
۱۴۲	 حجّیت عقل
۱۴۳	 حجّیت قیاس، استحسان و مصالح مرسله

۱۴۷	استدلال به حدیث مُعَاذ
۱۵۲	باز یا بسته بودن باب اجتهاد
۱۵۸	آفات تعصب جاهلانه
۱۶۱	جمع بندی مسأله انفتاح یا انسداد

■ وضو در کتاب و سنت / ۱۶۳

۱۶۵	مقدمه
۱۷۳	کیفیت شستن دستها
۱۷۹	چگونگی مسح سر
۱۸۵	مسح یا شستن پاها؟
۱۸۶	قراءت به جر (ارجلکم)
۱۸۸	پاسخ قائلین جر به جوار
۱۹۲	نقد موارد دیگری که ادعای جر به جوار شده
۱۹۵	قراءت به نصب (ارجلکم)
۱۹۹	وضو در سنت
۲۰۷	حل نهایی اخبار دال بر غسل

■ سنت و بدعت در اذان / ۲۱۱

۲۱۳	مقدمه
۲۱۵	آغاز تشریع اذان
۲۱۷	دیدگاه اهل تسنن
۲۲۵	بررسی روایت رؤیا
۲۳۱	فصول اذان و اقامه
۲۳۳	پیرامون «حی علی خیر العمل»

۲۴۱	پیرامون در تثنویب
۲۴۶	نظر علما در باره مبدأ تثنویب
۲۵۲	بررسی روایات تثنویب
۲۵۲	الف) روایت نسایی
۲۵۵	ب) روایات ابی داود
۲۵۷	شهادت به ولایت علی (علیه السلام) در اذان

■ جمع بین صلاتین / ۲۶۱

۲۶۳	مقدمه
۲۶۷	اوقات نماز در قرآن کریم
۲۷۲	بررسی آیه شریفه
۲۷۶	جمع بین صلاتین از نظر روایات
۲۷۲	الف) روایات صحیح مسلم
۲۷۶	ب) روایات صحیح البخاری
۲۷۶	ج) روایات مسند احمد
۲۸۱	د) روایات سایر کتب
۲۸۶	تأویلات برخی در مورد روایات جمع
۲۸۷	خلاصه اقوال فقها

■ سجده در سنت پیامبر و صحابه / ۲۹۷

۲۹۹	مقدمه
۳۰۱	سجده در لغت و اصطلاح
۳۰۴	روایات و سجده
۳۱۷	اقوال جمعی از صحابه و بزرگان

- فهرست اعلام با شرح مختصر ۳۲۵
- بارقه‌ای از حالات رسول خدا ﷺ و اهل بیتش علیهم‌السلام و پاره‌ای از سخنان
گهربار آنان ۳۵۵
- فهرست منابع و مآخذ ۳۷۳
- فهرست تألیفات و سایر آثار استاد ۳۸۲

مقدمة ویراستار

هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ

مقدمه ویراستار

آشنایی ام با استاد: یکی از روزهای گرم تیرماه سال ۷۹ بود که امتحانات دروس سطح حوزه علمیه را به پایان رساندم. از همان روز برای ادامه تحصیلات در درس‌های خارج فقه و اصول مصمم شدم. کسانی که این مسیر را تجربه کرده‌اند، خوب می‌دانند که بهره‌مند شدن از استاد جامع‌الاطراف، نیمی از موفقیت است، و من این نکته را با همه وجودم می‌فهمیدم.

روزهای تابستان یکی پس از دیگری سپری می‌شد و فکر انتخاب استاد، اندک اندک برایم تبدیل به یک دغدغه و نگرانی می‌شد. چیزی تا نیمه شهریور و شروع درس‌های حوزه نمانده بود و من دیگر به سر حد اضطراب رسیده بودم. مسأله انتخاب استاد همه فکر و ذکر را مشغول کرده بود، حتی در زیارت امام رؤوف، علی بن موسی الرضا علیه السلام و تشرّف به حرم بانو فاطمه معصومه علیها السلام تقاضایم همین بود. در همان حال، به طور مکرّر با افراد مورد وثوق از اهل علم، مشورت می‌کردم و همه جا در

جستجوی مقصود بودم.

سرانجام به لطف حق، توفیق رفیق راه شد و خداوند وسیله سازی کرد و به حلقه درس استاد گرانقدر و محبوبم، حضرت آیه الله جناب آقای حاج سید محمدرضا مدرّسی طباطبائی یزدی - زید عزه - راهنمایی شدم.

درس استاد برای من زندگی بخش بود و شادابی و نشاط علمی را برایم به ارمغان می آورد.

آن روزها معنای روایاتی را که در باب منزلت علم و عالم و متعلّم شنیده بودم، بهتر می فهمیدم^۱، و این آیه شریفه آن قدر برایم تازگی می کرد که گویا اخیراً نازل شده است:

﴿مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً﴾^۲

هر کسی یک نفر را زنده کند، مثل این است که همه مردم را زنده کرده باشد.

شکر نعمت الهی و سپاس از استاد، مرا بر آن می داشت که در انتظار فرصت مناسبی باشم تا بتوانم اندکی از زحمات ایشان را جبران نمایم. بالاخره زمینه این کار فراهم شد. روزی بعد از درس، استاد به حقیر فرمودند که از سال های گذشته در فواصل زمانی مختلف، مقالاتی در بعضی از موضوعات فقه مقارن و غیر آن به رشته تحریر در آورده اند که به دلیل اشتغالات گوناگون، امکان تنظیم آنها برایشان فراهم نیست.

حضرت استاد به اینجانب پیشنهاد فرمودند که آنها را آماده چاپ کنم. من که منتظر این فرصت بودم، با کمال میل این پیشنهاد را پذیرفتم و از چند روز مانده به ماه محرم پی گیر کار شدم.

۱. نظیر آنچه که امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «مَعْرِفَةُ الْعَالِمِ دَيْنٌ يُدَانُ بِهِ» و «إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ

لَهُ خَادِمًا»؛ شناختن عالم تکلیفی است که از آن مواخذه می شود و هر گاه عالمی را دیدی، خدمتگزارش باش.

۲. المائدة، آیه ۳۲.

ر.ک: تصنیف غرر، ش ۲۱۷ و ۲۱۴.

تا امروز که حدود ۶ ماه از آن تاریخ می‌گذرد، در سفر و حضر، همه جا، کما بیش مشغول این کار بودم. در سفر تبلیغی به قزوین و بعد از آن در شهر مقدس قم بسیار اتفاق می‌افتاد که تا سحرگاهان سروکارم با این کتاب بود. در این مدت، در ایامی که در قم بودم، از کتاب‌های بخش محققین کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله و کتابخانه تخصصی فقه و اصول آیت‌الله العظمی سیستانی - حفظه الله - و نرم‌افزارهای رایانه‌ای موجود استفاده می‌کردم. در مشهد مقدس نیز از کتابخانه آستان قدس رضوی - سلام الله علی مشرفها - و کتابخانه مسجد گوهرشاد بهره‌مند می‌شدم. **وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلٰی ذٰلِكَ كُلّٰهٖ.**

این نوشته‌ها در مجموع پنج رساله بود که بعداً رساله‌ای با عنوان «سجده در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه» نیز تحریر گردید و به آنها افزوده شد. در همه این نوشته‌ها صرف‌نظر از شیوه زیبای طرح بحث، ورود و خروج‌های فنی، قوت تحلیل، استدلال و نتیجه‌گیری و دیگر مزایا، آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند، روش استدلال و استفاده از روایات اهل تسنن است. مطلب دیگری که در این زمینه باید بیفزایم آن است که خوشبختانه، استاد از مورد اعتمادترین کتب اهل تسنن و در میان آنها از قوی‌ترین روایات از جهت متن و سند استفاده کرده‌اند.

البته مخاطب اصلی این نوشته‌ها، برادران اهل تسنن هستند، ولی مطالعه آن برای روشن شدن دلایل و ریشه‌های نظرگاه‌های شیعه در مسائل مذکور برای همگان مفید است. خصوصاً اینکه بحمدالله از قلمی شیوا و روان برخوردار است.

اما گزارشی از نوشته‌های اولیه:

رساله اول با عنوان «مقدمه‌ای بر شناخت امامان در پرتو روایات» است که درباره امامت ائمه دوازده گانه - علیهم السلام - می‌باشد. متنی که از این نوشته در اختیارم گذاشته شد، کتابچه‌ای بود که چاپ دوم آن در سال ۱۳۵۹ انجام گرفته بود. با وجود سبک قویم مباحث، حسن تبویب و مطالب عالی که در آن مختصر وجود داشت،

۲۰..... تشیع در تسنن

متأسفانه اشکالاتی در چاپ آن دیده می‌شد. به طور مثال، حروفچینی آن با استفاده از ماشین‌های قدیمی بود، و خالی بودن عبارات از اعراب و پاورقی‌های لازم، از جذابیت آن می‌کاست.

چندی پیش در سفر زیارتی مشهد مقدس این کتاب را در کتابخانه تخصصی مسجد گوهرشاد دیدم و همان جا به مسؤول آن قسمت مژده دادم که ان شاء الله در آینده نزدیک، چاپ جدید آن را در اختیارشان قرار خواهم داد.

از مهمترین مزایای چاپ اخیر این رساله، این موارد را باید برشمرد: روایات افزوده شده، توضیح بعضی از روایات دارای ابهام و غموض، کیفیت دلالت روایت «الائمة اثنا عشر» بر مذهب اثنا عشری، و در برخی از موارد، ذکر نکات ارزنده‌ای که اینجانب تاکنون در جای دیگر آنها را نیافته‌ام. به عنوان مثال، در پاورقی‌های صفحه ۴۷ تا صفحه ۴۹ روایت «الخلافه بعدی ثلاثون سنة» و همچنین در پاورقی‌های صفحه ۷۴ تا صفحه ۷۶ بعضی از روایات شاذ اهل تسنن پیرامون مهدویت مورد بررسی قرار گرفته است.

رساله دوم با عنوان «اجتهاد و تقلید» بود که یک بحث کلامی - فقهی است. حقیر کتاب‌های متعددی در این زمینه مطالعه کرده‌ام که هر یک به نوبه خود از مزایایی برخوردار بودند، ولی انصافاً هیچ یک به پای این رساله نمی‌رسند. استاد در این رساله با پرهیز از ورود در مباحث کم فایده یا تکراری، با استفاده از شیوه مقایسه‌ای و طرح جامع مباحث، با وجود رعایت اختصار، با روشی عالمانه مسأله اجتهاد و تقلید را مورد بررسی قرار داده‌اند. این رساله قبلاً در سال ۱۳۷۲ با ماشین حروفزنی دستی، تایپ شده و در اختیار کنفرانس وحدت اسلامی در شهر زاهدان قرار گرفته بود.

رساله سوم، چهارم و پنجم در موضوع فقه مقارن است که این رساله‌ها نیز جهت ارائه در همان کنفرانس در سال‌های بعد نگاشته شده است. عناوین این رساله‌ها به ترتیب عبارتند از: «سنت و بدعت در اذان»، «وضو در کتاب و سنت» و «جمع بین صلاتین». در میان سه رساله اخیر، دو مقاله «سنت و بدعت در اذان» و «جمع بین

صلاتین» قبلاً در برنامه نرم‌افزاری معجم فقهی - نسخه سوم - مؤسسه آیه‌الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله گنج‌انیده شده و به صورت لوح فشرده (CD) توزیع شده بود و اکنون در بانک‌های اطلاعات موجود است.

توضیحی که درباره این سه رساله و رساله بعدی باید بدهم، این است که با وجود تخصصی بودن مباحث آنها، بحمدالله طوری تنظیم شده است که با اندکی تأمل و دقت، برای بسیاری از افراد، خصوصاً دانشجویان عزیز و نسل جوان و پرسشگر قابل استفاده است.

آخرین رساله، بعد از تنظیم مجموعه مقالات پنجگانه قبلی، توسط استاد نگارش یافت و برای ویراستاری به حقیر واگذار گردید.

اما کارهایی که انجام گرفت، عبارتند از:

۱ - اعراب‌گذاری آیات، اسامی اشخاص، متن روایات و کلیه عبارات عربی این رساله‌ها.

۲ - ترجمه تمامی روایات و عبارات عربی، غیر از روایات رساله نخست که ترجمه آن قبلاً توسط خود استاد صورت گرفته بود و من فقط روایات افزوده شده را ترجمه کردم.

۳ - ویراستاری علائم، ویراستاری دستوری و گاهی هم ویراستاری محتوایی هر شش رساله.^۱

۴ - تحقیق آیات و روایات و اغلب مطالب نقل شده از کتب دیگر، و در پاره‌ای از موارد افزودن آدرس‌های جدید به آنها.

۱. البته چنانکه گفته شد قلم استاد بسیار روان بود، و نیز در برخی از موارد بعد از ویراستاری به حقیر دستور فرمودند تا عبارت را به خاطر نکات فنی علم حدیث و فقه، به همان صورت اولیه برگردانم. گرچه فرصت بازبینی همه آنچه که من انجام دادم، دست نداد.

۲۲..... تشیع در تسنن

۵- درج پاورقی‌های لازم برای فهم بهتر محتوا و کاستن از سنگینی مطالب متن. این گونه موارد در پاورقی با کلمه (ویراستار) مشخص شده است.

۶- تنظیم و ترتیب فهرست‌ها.

به هر حال، مباحث این کتاب در چارچوب یک گفتمان صمیمانه علمی است و به انگیزه روشنگری و ارائه حقیقت طرح شده است.

بنابراین، هدف ما این است: «گفتگوی علمی؛ وحدت عملی».

امید است به لطف حق، کمکی مخلصانه برای شناخت اسلام عزیز و دین خدای متعال باشد، و استاد بزرگوار، این حقیر، خوانندگان و همه ساعیان در راستای این هدف مأجور باشند.

در روزهای پایانی تنظیم این اثر، به ذهنم خطور کرد که این کتاب به پیشگاه بانوی با عظمت اسلام، حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا - سلام الله علیها - اهدا شود تا پیش‌فرستاده‌ای گردد برای روزی که «تَوَدُّ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيَّينَ»^۱؛ مردم آرزو می‌کنند به گونه‌ای منسوب به حضرت فاطمه باشند.

اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِیْمُ

حمیدرضا ترابی

پیامبر اکرم ﷺ:

برای این ائمت دوازده خلیفه (امام) است.

صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۸: مسند احمد، ج ۵، ص ۱۰۶ و غیره

مقدمه‌ای بر

شناخت امامان

در پرتو روایات

مقدمه

امامت و خلافت از مسائل بزرگی است که هر مسلمانی باید آن را به روشنی بداند و وظیفه خود را در برابر آن تشخیص دهد. امامت موضوعی است که در آیات قرآن کریم بدان عنایت ویژه شده و در کلام پیامبر عزیز اسلام ﷺ بارها و بارها از آن سخن به میان آمده و در زمانهای متفاوت و مکانهای مختلف، به شکل های گوناگون مطرح گشته است.

اهمیت امامت تا بدان پایه است که بر اساس روایات مورد اتفاق اهل تشیع و اهل تسنن - که به زودی شماری از آنها خواهد آمد - پیامبر گرامی اسلام ﷺ در یک هشدار بزرگ فرمود: «کسی که بدون شناخت امام زمان خود بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است» و در نتیجه در کنار بی دینان و مشرکان برانگیخته خواهد شد.

به علاوه، اجتماع مسلمانان، بعد از فاجعه رحلت رسول اکرم ﷺ به طور طبیعی با مسأله امامت مواجه می شد؛ زیرا سؤال این بود که امور مسلمین چگونه باید اداره شود و خلاصه چه کسی جانشین آن حضرت است؟ بنابراین، حق جویی و حق یابی پیراسته از تعصب های جاهلی در مسأله امامت، یک ضرورت گریزناپذیر برای

مسلمانان است.

بحث درباره امامت به سه روش اساسی مطرح می‌شود که هر کدام دارای ویژگی‌های خود است. این سه روش عبارتند از:

۱- روش عقلی: در این روش مثلاً با قاعده لطف و درک عقلی، لزوم امامت و عصمت امام به اثبات می‌رسد و سپس به کمک این قاعده و نتایج آن، فروع مسأله امامت بیان می‌شود.

۲- روش اعجاز: در روش اعجاز، اشخاص از راه دیدن و یا خبردار شدن از معجزاتی که از ائمه علیهم‌السلام صادر شده، به طور یقین، صدق ادعای ائمه را می‌یابند.

۳- روش نص: در این روش، امامت امامان علیهم‌السلام با استدلال به دو منبع اثبات می‌شود:

اول، آیات قرآن کریم، مانند آیه خلافت که می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۱ و آیه امامت که می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۲ و آیه هدایت به امر که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أئمةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۳ و غیر این‌ها.

دوم، از راه معرفی و تصریحات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یا معرفی و تصریح هر امامی نسبت به امام و یا ائمه بعد از خود.

در میان کتاب‌های بسیاری که درباره امامت به فارسی نوشته شده، خلافت

۱. البقرة، آیه ۳۰.

۲. البقرة، آیه ۲۴.

۳. الانبیاء، آیه ۷۳.

۴. از جمله آیاتی که برای اثبات امامت به آن استشهد شده، آیات سوره مبارکه قدر است. نقل شده شخصی خدمت حضرت علی النقی امام جواد علیه‌السلام رسید و پرسید: آیا در قرآن آیه‌ای هست که بر امامت شما دلالت کند؟ فرمود: بله، در سوره قدر می‌فرماید: ملائکه در شب قدر نازل می‌شوند، و امت اجماع کرده بر این‌که هر سال شب قدر تکرار می‌شود. آیا تو کسی را سراغ داری که ادعا کند در شب قدر ملائکه بر او نازل می‌شوند؟ عرض کرد: خیر. فرمود: آن‌کس که قرآن به او اشاره دارد، من هستم. (ویراستار).

مقدمه‌ای بر شناخت امامان در پرتو روایات ۲۷

حضرت علی علیه السلام بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هر سه روش مذکور بیان شده است. اما امامت سایر امامان علیهم السلام بیشتر با روش اول (روش عقلی) و دوم (روش اعجاز) اثبات گردیده است. گرچه کتاب‌های ارزنده‌ای همچون «اثبات الهداة» که روش سوم را نیز به عالی‌ترین وجه در بر دارد، به فارسی ترجمه شده، ولی مطالعه و بهره‌وری از کتاب‌هایی از این دست، غالباً از حوصله عموم خارج است. هدف از این نوشته کوتاه، اثبات امامت امامان علیهم السلام با روش سوم (روش نص و عمدتاً با استناد به نصوصی که اهل تسنن نقل کرده‌اند) است و طوری تنظیم شده که بتواند مورد استفاده افراد بیشتری قرار گیرد.

آغاز کلام اینجاست که آیا اساساً بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، امامت و خلافتی هست یا نه؟ تلاش برای یافتن پاسخ این پرسش، آغاز تحقیق ماست. در این باره، با ارائه روایات متعدّد، ثبوت این اصل واضح می‌شود و در می‌یابیم که بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله امامت هست و همچنین این امامت در طول زمان امتداد دارد و هرگاه ستاره‌ای فروزان از این سلسله غروب کند، ستاره‌ای دیگر پرتو افشان می‌شود و هرگز زمین خالی از حجت نخواهد شد.

سپس در ادامه این تحقیق، به مشخصات ائمه علیهم السلام می‌رسیم تا امام و ائمه خود را بیابیم. بنابراین، در این مختصر ابتدا امامت را در دایره وسیعی اثبات می‌کنیم و سپس این دایره کوچک و کوچک‌تر می‌گردد تا آن‌که به ائمه اثناعشر علیهم السلام منحصر می‌شود. با این مقدمه، سیر مباحث به صورت زیر خواهد بود:

- معنای امامت و خلافت.

- استمرار امامت و لزوم شناخت امام.

- تعداد امامان و این که آن‌ها دوازده نفرند و همه از قریشند.

- اهل بیت علیهم السلام و امامت.

- مقصود از اهل بیت علیهم السلام.

- امامت اهل بیت علیهم السلام.

- استمرار وجود اشخاصی از اهل بیت علیهم السلام تا روز قیامت.

- این که امامان از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

- نام و اشخاص امامان علیهم السلام.

قبل از رسیدن به مرحله اخیر و یافتن نام و اشخاص امامان در احادیث، از روایاتی که در کتب اهل تسنن آمده، استفاده شده است. و معمولاً سعی بر آن بود که در هر فصلی، تصریح دانشمندان اهل تسنن نسبت به صحت حداقل بعضی از روایات آن فصل ذکر شود.

این امر موجب می شود خوانندگان اهل تسنن بدانند که حتی در معتبرترین کتاب های خودشان، روایات متواتر و صحیحی وجود دارد که امامت امامان دوازده گانه را به روشنی اثبات می کند و علی رغم همه فشارهای سیاسی، فرهنگی، مالی و بدنی برای خاموش نمودن نور اهل بیت علیهم السلام و زدودن چنین روایاتی از قاموس احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و منزوی کردن راویان چنین احادیثی، باز نور حقیقت از جای جای متقن ترین مجموعه های حدیثی اهل تسنن پرتو افشان است، و هر کس را که از چشمی بینا و دلی آگاه و وجدانی با انصاف و بیدار برخوردار است، از جام حقیقت سیراب خواهد کرد. همچنین برای خوانندگان اهل تشیع موجب افزایش ایمان و رسوخ بیشتر عقیده در ژرفای دل های آنان می شود؛ چون می بینند که حتی از کتاب های کسانی که به امامت ائمه اهل بیت علیهم السلام معتقد نیستند، امامت آن بزرگواران را می توان اثبات کرد.

اما در مرحله اخیر، گرچه از طریق اهل تسنن نیز نص بر اشخاص ائمه نقل شده است، و در کتاب های مفصل آمده است - و ما هم نمونه ای از آن ها را خواهیم آورد - ولی برای اتقان بیشتر، تعداد کمی از روایات شیعه را نیز - که اندکی از بسیار و قطره ای از دریاست - آورده ایم.

گفتنی است برای بررسی اسناد این گونه روایات و گزینش احادیثی که اعتبار بالاتری دارند، باید بیشتر به سراغ روایاتی رفت که راویان آن ها در سلسله اسناد

مقدمه‌ای بر شناخت امامان در پرتو روایات ۲۹

روایات فقهی نیز قرار گرفته‌اند؛ زیرا به نظر می‌رسد که دانشمندان علم رجال به چنین روایاتی اهتمام افزون‌تری داشته‌اند و لذا با سهولت بیشتری می‌توان چنین روایانی را شناخت. البته با توجه به کثرت روایات در موضوع مورد بحث، و وجود قرائن فراوانی که موجب یقین می‌شود، اساساً نیاز چندانی به بررسی سندی نیست.

به هر حال، در تنظیم این رساله، حدود پنجاه کتاب از اهل تشیع و تسنن مورد استفاده قرار گرفته است که مهمترین آن‌ها بدین قرار است: اثبات الهداة، غایة المرام، منتخب الاثر، أمان الأمة، جامع الرواة، تنقیح المقال از اهل تشیع، و صحیح البخاری، صحیح مسلم، مستدرک آن‌ها، سنن الترمذی، سنن النسائی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، مسند احمد، المعجم الكبير، الصواعق المحرقة، كنز العمال، لسان المیزان و تهذیب التهذیب از اهل تسنن.

امامت و خلافت چیست؟

«راغب» - لغت‌شناس معروف - در کتاب «مفردات» می‌گوید:

الْإِمَامُ؛ أَلْمُؤْتَمُّ بِهِ، إِنْسَانٌ كَانَ يُقْتَدَى بِقَوْلِهِ أَوْ فِعْلِهِ، أَوْ كِتَابٌ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ؛

امام آن است که مورد متابعت قرار گیرد، خواه انسانی باشد که از گفتار و رفتارش پیروی می‌شود، یا کتاب یا غیر آن.

همچنین وی در مورد «خلافت» می‌گوید:

الْخِلَافَةُ؛ النَّيَابَةُ عَنِ الْغَيْرِ...؛

خلافت، جانشینی برای دیگری است.

به نظر می‌رسد واژه «امامت» و «خلافت» در متون دینی نیز به همان معنای لغوی به کار رفته است. البته با توجه به این که حوزه امامت و خلافت چه چیز باشد، دایره این

مقدمه‌ای بر شناخت امامان در پرتو روایات ۳۱

دو مفهوم وسیع یا محدود می‌شود. بنابراین، اگر امامت در مورد «امت» یا «ناس» و مانند آن به کار رود (یا به طور مطلق استعمال شود) مقصود رهبری همه جانبه و فراگیر است که مرتبه‌ای بس والا را می‌طلبد و ما اکنون در صدد بیان جامع ویژگی‌ها و مراتب عظمت این مقام نیستیم.

همچنین این که نسبت مفهوم امامت و خلافت چیست؟ سخن جداگانه‌ای است که به جای خود موکول می‌شود، لکن آنچه در بحث کنونی مهم است، این است که بدانیم اولاً، امامت و خلافت به معنای جانشینی پیامبر اسلام ﷺ بعد از رحلت آن بزرگوار، در امور دین و اداره اجتماع می‌باشد. ثانیاً، امامت و خلافت از نظر واقع و مصداق خارجی تفکیک ناپذیرند.

به عبارت دیگر، همان کسی که دارای منصب امامت است، باید خلیفه و جانشین پیامبر ﷺ نیز باشد؛ یعنی نمی‌توان یک نفر را فقط امام و دیگری را فقط خلیفه دانست.

«تفتازانی» - دانشمند معروف اهل تسنن - در کتاب «مقاصد» در تعریف امامت می‌گوید:

هِيَ رِيَاسَةٌ عَامَّةٌ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا خِلَافَةٌ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
سَلَّمَ^۱

امامت، ریاست عامه در امر دین و دنیا به عنوان جانشینی و «خلافت» از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم است.

«قوشجی» - متکلم بزرگ دیگر اهل تسنن - نیز همین تعریف را ارائه می‌کند.^۲

دانشمندان دیگر اهل تسنن نیز غالباً همین عبارت یا قریب به آن را در تعریف امامت

۲. شرح تجرید، ص ۳۹۹.

۱. شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۲.

۳۲..... تشیع در تسنن

آورده‌اند.^۱

همچنین آن‌طور که نقل کرده‌اند، «ابوبکر» در ردّ نامزد انصار برای خلافت، به روایت «الْأَيُّمَةُ مِنْ قُرَيْشٍ»^۲ استدلال کرد. بنابراین، او نیز بین خلافت و امامت فرقی نگذاشت.^۳

نتیجه‌ای که از این بحث کوتاه به دست می‌آید، آن است که در روایاتی که نقل می‌شود، همه جا منظور از امامت، خلافت نیز هست.

۱. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: شرح المواقف، الموقف السادس في السمعيات، المرصد الرابع في الامامة و مباحثها، المقصد الاول في وجوب نصب الامام، الطبعة الاولى ۱۴۱۹، دارالکتب العلمیة، بیروت، ج ۸، ص ۳۷۶.

۲. امامان از قریش هستند: ر.ک: مسند احمد، ج ۳، ص ۱۲۹.

۳. در «صحیح البخاری» در کتاب الحدود، باب رَجْمِ الْحُبْلِيِّ، رقم ۶۳۲۸ نقل می‌کند که ابوبکر گفت: لَا يُعْرَفُ هَذَا الْأَمْرُ إِلَّا لِهَذَا الْحَيِّ مِنْ قُرَيْشٍ؛ خلافت جز برای قریش شناخته شده نمی‌باشد. قریب به همین روایت در مسند احمد بن حنبل، رقم ۳۶۸ آمده است.